

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی که قرار است امروز در خدمت شما باشیم تحت عنوان آسبب شناسی بیداری اسلامی با تکیه به نظرات حضرت امام و مقام معظم رهبری است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از آن زمان ما شاهد گسترش گرایشات اسلامی به ویژه در درجه اول در جهان اسلام حتی در میان جوامع غیر اسلامی توسط مسلمانها بودیم. منظور از بیداری اسلامی یا خیزش اسلامی در واقع پدید آمدن یک حالت آگاهی، تنبه و خودباوری با تکیه بر دین مبین اسلام هست. در واقع می‌شود گفت که نمونه کامل بیداری اسلامی را ما در خود انقلاب اسلامی ایران داریم.

ما اگر که در مباحث مربوط به امواج بیداری اسلامی را بخواهیم مرور کنیم این طوری می‌توانیم بگوییم که تا حالا سه موج بیداری اسلامی در جهان اتفاق افتاده و به پیش رفته که موج اول بیداری اسلامی مربوط می‌شود به تحولاتی که در این رابطه در حدود ۱۴۰، ۱۵۰ سال قبل به وقوع پیوسته و حرکتی که توسط نوگرایان اسلامی مثل سید جمال‌الدین اسد آبادی و تعدادی دیگر از اندیشمندان مسلمان در جهان اسلام مثل مصر آن زمان مثل شیخ محمد عبده. سوالی که برای این افراد در آن زمان مطرح بود این بود که چرا ما عقب مانده‌ایم و چرا در مقابل غربی‌ها ما دچار استعمار شدیم و خب خیلی از کشورها اشغال شد، تحت نظام‌های وابسته قرار گرفت. پاسخی که نوگرایان اسلامی می‌دادند این بود که ما بایستی به خویشتن بازگردیم، باید به فرهنگ خودی، به داشته‌های خودی و با تاکید بر خودباوری و حس توانستن بتوانیم جامعه را بازسازی کنیم. این اندیشه‌ها توانست طرفداران زیادی در دنیای آن روز برای خودش پیدا بکند و در واقع می‌شود گفت که نقطه شروعی شد برای گسترش اندیشه‌هایی که مبنایش می‌شود جهان اسلام، مشرق زمین؛ منتها خب نوگرایان اسلامی در آن زمان با حکومت‌های سلطه‌گر یا وابسته، مستبد در آن زمان مواجه بودند بسته به شرایط سرکوب می‌شدند و گاهی آزادی عمل بیشتری می‌یافتند. اما بحث گسترش اندیشه‌های اسلامی به صورت کامل سرکوب نشد یعنی نتوانستند که کاملاً این را ریشه‌کن بکنند و این مسئله ادامه یافت حتی در دوره قبل از انقلاب اسلامی شما در خیلی از کشورهای جهان اسلام گسترش اندیشه‌های اسلامی حالا البته بر حسب فرهنگ هر منطقه یا کشور را می‌بینید مثلاً فرض کنید اخوان المسلمین از حدود آغاز قرن بیستم شروع به رشد و گسترش در کشورهای مختلف اسلامی کرد. البته این موج در واقع نتوانسته بود

اهداف واقعی خودش را که برای آن ایجاد شده بود در نهایت برسد اما کامل سرکوب هم نشد و ما حضور احزاب اسلام‌گرا و ولی‌خب بسیاری از اینها منفعل را در کشورهای اسلامی در این زمان می‌بینیم.

اما باید بگوییم که این با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که دو موج بزرگ از بیداری اسلامی اتفاق افتاد. بنابراین ما در مورد موج دوم بیداری اسلامی همزمان با وقوع و بعد پیروزی انقلاب اسلامی موج دوم بیداری اسلامی را در به‌ویژه ابتدا کشورهای اسلامی و بعد در نقاط مختلف در میان جوامع اسلامی مشاهده می‌کنیم. در واقع باید بگوییم که موج دوم بیداری اسلامی تحت تاثیر مستقیم انقلاب اسلامی به وجود آمد. شما به دهه ۱۳۶۰ شمسی و دهه ۱۹۸۰ میلادی توجه کنید گسترش این موج را در کشورهای مختلف به صورت آشکار مشاهده می‌کنید. می‌توانید وضعیت دهه ۱۹۸۰ با دهه قبلش یعنی دهه قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران مقایسه کنید در کشورهای مختلف جنبش‌های اسلامی یا به صورت از نو و کامل پدید آمد و یا جنبش‌های اسلامی که قبلاً وجود داشتند ولی تا حدود زیادی منفعل بودند و فعال نبودند اینها فعال شدند مثلاً همین اخوان المسلمین تا قبل از انقلاب اسلامی در حالی که در کشورهای مختلف اسلامی حضور داشت ولی غیرفعال بود ولی با وقوع انقلاب اسلامی ایران فعالیتش را گسترش داد و در کشورهای مختلف به ایفای نقش پرداختند و در مورد انقلاب اسلامی ایران و در مورد هبری حضرت امام کتاب نوشتند و تکمیل کردند و راهی را که انقلاب اسلامی ایران در پیش گرفته مورد تاکید و تالیف قرار دادند.

این وضعیت یعنی گسترش گرایش‌های اسلامی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در نقاط مختلف در جهان اسلام در دهه ۱۹۸۰ میلادی و ۱۳۶۰ شمسی آشکار هست مثلاً در لبنان ما به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی فقط جنبش امل را داریم که جنبش امل هم در آن اوایل یک حرکتی نبود که خود اسلام‌گرایانی که در لبنان بودند آن را به طور کامل تایید کنند به معنی طرفداری از یک انقلاب اسلامی و داخل همان جنبش امل یک گروهی پدید آمد به عنوان جنبش امل اسلامی که شدیداً طرفدار انقلاب اسلامی ایران بود. این گروه آرام آرام با تحولاتی که در لبنان صورت گرفت توانست مبنایی بشود برای تشکیل حزب الله لبنان و حزب الله لبنان از این به بعد مرجع اساسی برای کل شیعیان لبنان تبدیل شد و جنبش امل نیز به صورت کامل با حزب الله از لحاظ مواضع مشترک همراه شد و در همه حوادثی که از آن زمان به بعد اتفاق افتاده اینها به صورت مشترک اعلام موضع کردند. وضعیت در فلسطین هم دچار یک تغییر اساسی شد و فلسطین که آقای یاسر عرفات به عنوان رهبر ساف سازمان آزادی بخش فلسطین رهبری این حرکت‌ها را به عهده داشت اینها البته تا مدتی از آزادسازی تمام سرزمین فلسطین

و حرکت‌های مسلحانه دفاع می‌کردند ولی گرایش‌هایی در اینها به وجود آمده بود که زمینه یک سری تغییرات فکری را در بین بخشی از فلسطینی‌ها به وجود آورد. انقلاب اسلامی ایران باعث شد که آرام آرام جنبش‌های جدیدی در فلسطین هم پدید آمدند مثل سازمان مقاومت اسلامی حماس و همین طور جنبش جهاد اسلامی فلسطین که این سازمان‌ها از لحاظ مواضع با مواضع انقلاب اسلامی ایران اشتراک نظر دارند و داشتند.

ادامه تحولات به نبرد ۲۳ روزه که بین حزب الله و رژیم صهیونیستی اتفاق افتاد و نبردهای دیگری که تحت عنوان نبرد ۲۲ روزه، ۵۱ روزه و ۸ روزه بین رژیم صهیونیستی و حماس اتفاق افتاد و در همه این نبردها این جنبش‌ها در مقابل رژیم صهیونیستی به پیروزی رسیدند و این برای اولین بار بود که این اتفاق می‌افتاد و این امر هم تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران این تحلیل صورت گرفته. در همان دهه ۱۹۸۰ و دهه ۶۰ شمسی ما یک حرکت گسترده اسلامی در الجزایر را مشاهده کردیم، جبهه‌ای تحت عنوان جبهه نجات اسلامی الجزایر آرام آرام پدید آمد و قدرتش افزایش یافت و در انتخابات‌هایی که صورت می‌گرفت در انتخابات شوراهای شهری و مرحله اول انتخابات پارلمانی توانست اکثریت را به دست بیاورد و اگر جریان‌ات به همین صورت پیش می‌رفت آنها یک نظام اسلامی را در کشور بزرگ الجزایر در شمال آفریقا برای اولین بار پدید می‌آوردند البته غربی‌ها دست به کار شدند و یک کودتایی را در آنجا انجام دادند و شخصی به نام آقای بوضیاف کودتا کرد این نتایج انتخابات‌ها را باطل کرد و غربی‌ها هم با او همراه شدند و حرکت را تا حدود زیادی کنترل کردند و اجازه ندادند که این جنبش دست به تشکیل یک نظام اسلامی در الجزایر بزند. وضعیت در تونس هم همین طور بود آقای رشید الغنوشی شدیداً به طرفداری از انقلاب اسلامی ایران پرداخت و اسلام‌گرایان چه در فلسطین چه مصری‌ها و چه تونس‌ها کتاب‌هایی به صراحت در تایید جمهوری اسلامی ایران می‌نوشتند و در تمجید از رهبری حضرت امام می‌نوشتند. همه اینها نشان می‌داد که دهه ۸۰ میلادی مستقیماً و آشکارا تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته و انقلاب توانسته چهره جوامع اسلامی را دگرگون بکند.

ما از این تحولات تحت عنوان موج دوم بیداری اسلامی یاد می‌کنیم، موج دوم موجی است که مستقیماً تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران بود اما تغییراتی که رخ داد فقط در زمینه جنبش‌های اسلامی نبود. تغییرات در زمینه‌های مختلف صورت گرفت حتی تغییر در نظریه‌های سیاسی فرصت نیست در این رابطه توضیح بدهیم که تغییر حتی در روابط بین الملل، تغییر در تئوری‌های انقلاب، تغییر نسل سوم نظریه‌های انقلاب که جبرگرا و ساختارگرا بودند به نسل چهارم که تا حدود زیادی نقش اندیشه، فکر، فرهنگ، تفکر، اراده، اختیار را در بحث انقلاب مورد توجه قرار دادند بر خلاف نوشته ۱۳۱۴؟؟ یک

کتابی نوشت با عنوان دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی در سال ۱۹۷۹ اتفاقاً در همان سالی که انقلاب اسلامی به وقوع پیوست اینجا با بررسی سه تا انقلاب فرانسه، روسیه و چین ایشان آمد و با یک دید کاملاً جبرگرا آن انقلاب‌ها را تحلیل کرد و بیشتر بحث فشار خارجی را مطرح کرد و بعد خودش سه سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۲ حرفش را بازپس گرفت و در مورد انقلاب اسلامی ایران گفت که انقلاب اسلامی ایران با این تصویری که من در مورد انقلاب‌ها گفتم تطبیق نمی‌کند و این انقلاب تنها انقلابی است که به نظر من در دوره جدید ساخته شده است؟؟ ۱۳۵۵. تغییر در تئوری‌های انقلاب، تغییر در نظریه‌ها در تئوری‌های سیاسی و تغییر در نظریه‌های روابط بین الملل آشکارا انقلاب اسلامی ایران چنین تأثیری را به جا گذاشت که در مورد همه اینها و حتی تمام نظریه‌هایی که ایجاد شدند و تغییراتی که صورت گرفت می‌شود اینها را ذکر کرد ضمن اینکه الان اگر شما نگاه کنید می‌بینید که در روابط بین الملل فعلی و در روابط بین المللی که الان هست هیچ محقق و هیچ اندیشمندی نمی‌تواند نقش آشکار دین در انقلاب فعلی را نادیده بگیرد اگر شما بیست سال پیش این صحبت را می‌کردید به شما ایراد می‌گرفتند ولی الان هر روزه ده‌ها مقاله شاید در این رابطه دارد نوشته می‌شود و این بیشتر ناشی از تأثیری بوده که انقلاب اسلامی ایران بر روند تحولات منطقه‌ای و بین المللی به جا گذاشته و این روند همچنان ادامه دارد و صورت‌های مختلفی را ما از این وضعیت در محافل آکادمیک و دانشگاهی دنیا در این رابطه می‌بینید.

خب اینها همان طور که گفتم موج دوم بیداری اسلامی یا خیزش اسلامی معاصر یا اصلاً بحث‌های مربوط به صدور انقلاب چیزی نیست که فقط مربوط باشد به جنبش‌های اسلامی یا مثلاً مربوط باشد فقط به تأثیراتی که در تئوری‌های روابط بین الملل، تئوری‌های سیاسی، تئوری‌های توسعه و جامعه‌شناسی سیاسی به جا گذاشته و به همین جهت ما می‌توانیم بازتاب‌های انقلاب ایران را در آن مقطع اول بعد از انقلاب روی راهبردهای قدرت‌های بزرگ هم ببینیم یعنی خب می‌دانید که ایران قبل از انقلاب اسلامی بخشی از زنجیره دفاعی غرب در مقابل اتحاد شوروی آن زمان بود. آن زمان که انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاد جهان شامل دو نگاه بود، بلوک غرب به رهبری آمریکا که سازمان‌هایی مثل ناتو، سنتو و سیتو در اطراف اتحاد شوروی ایجاد کرده بود، پیمان‌های اقتصادی مثل بازار مشترک اروپا طرف غربی بود که امروزه اسمش شده اتحادیه اروپایی، طرف اتحاد شوروی هم پیمان‌های خاص خودش را داشت، پیمان دفاعی ورشو و همین طور پیمان اقتصادی هنگ کنگ در طرف مقابل وجود داشت، جهان دارای دو بلوک بود، بلوک شرق و بلوک غرب زمانی که انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و به یک نحوی کشورهای مختلف را اینها تحت سیطره خودش گرفته بودند کشور ما هم تا قبل

از انقلاب یک کشور وابسته‌ای بود که تحت سیطره غربی‌ها قرار داشت، می‌دانید که آمریکایی‌ها چهار سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ویتنام شکست خوردند خود آمریکایی‌ها می‌گویند ما شکست مفتضحانه و سختی خوردیم در آنجا، آمریکایی‌ها تعداد زیادی کشته دادند حدود ۵۱ هزار نفر در ویتنام کشته دادند و بعد از شکست در جنگ ویتنام اینها اعلام کردند که ما می‌خواهیم راهبردمان را عوض کنیم ما تا حالا هرچه منافعمان تهدید می‌شد مداخله نظامی می‌کردیم ولی از حالا به بعد می‌خواهیم که از ژاندارم‌های منطقه‌ای استفاده کنیم، خب در منطقه ما محمدرضا شاه شد ژاندارم آمریکایی‌ها در این منطقه که در واقع استراتژی‌های خودشان را توسط کشورهای وابسته اجرا می‌کردند خب ایران عضو پیمان سنتو هم که شد، سنتو سه تا پیمان نظامی بود، ناتو، سنتو و سنتو که اطراف اتحاد شوروی کشیده شده بود برای دفاع از منافع غرب بود ایران حلقه میانی پیمان سنتو بود، به محض پیروزی انقلاب اسلامی ایران از سنتو خارج شد وقتی ما ایرانی‌ها به دلیل وقوع انقلاب از پیمان سنتو خارج شدیم در واقع پیمان میانی دچار فروپاشی شد دیگر پیمان سوم هم امکان وجود نداشت، پیمان سنتو هم دچار فروپاشی شد. آمریکایی‌ها اعلام کردند که از حالا به بعد نیروهای واکنش سریع را دارند که این قضیه را سعی می‌کردند بعد از آن به استراتژی و راهبرد مداخله نظامی وارد بشوند یا کار دیگری که غرب کرد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل داد ۱۹۸۹ شورای همکاری خلیج فارس بوجود آمد تا خلأ ناشی از خروج ایران از کنترل امریکا را بتواند در اینجا پر کند و منافع غرب بیش از پیش در اینجا تهدید نشود.

انقلاب اسلامی فقط در راهبردهای غرب تأثیر نداشت در راهبردهای شرق آن زمان هم تأثیر گذاشت. مهم‌ترین کاری که در رابطه با راهبرد شرق انقلاب اسلامی انجام داد و این مسئله هم به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کمونیست و بلوک شرق مارکسیست نهایتاً انجامید این بود که از یک طرف انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت روی پنج جمهوری مسلمان‌نشین طرف راست دریای خزر به آن می‌گویند آسیای مرکزی، الان این پنج تا مستقل هستند. از آن طرف انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت روی چند جمهوری‌های قفقاز شمالی فدراسیون روسیه و سایر جمعیت مسلمان اتحاد شوروی سابق به ویژه در این قسمت در کشور آذربایجان و به این ترتیب انقلاب اسلامی ایران اولین زمینه‌ها را برای تغییر در اتحاد شوروی ایجاد کرد. سپس وقتی که روس‌ها به قول خودشان از ترس گسترش این را که می‌گویم واقعاً اعتراف کردند برژینف آن زمان راس هیئت ۲۰۳۰۹۹ برژینف که یک آدم خیلی قاطعی هم بود در اتحاد شوروی و از نظر قاطعیت خیلی قدرتمند ظاهر می‌شد اعلام کرد که در بحث‌های جدی اتحاد شوروی تحرکاتی دیده می‌شود که ما مجبور شدیم یک قدمی داخل افغانستان بگذاریم و حالا

افغانستان را کنترل کنیم ولی خب مردم افغانستان در مقابل مداخله نظامی روس‌ها مقاومت کردند و انقلاب اسلامی ایران را ما کمک کردیم در جریان مقاومت دو تا گروه بودند که در افغانستان در مقابل حضور نظامی ایستادگی می‌کردند گروه شیعیان که می‌گفتند گروه هشت‌گانه و گروه اهل تسنن هم به گروه هفت‌گانه مشهور بودند. در جریان نبرد، روس‌ها شکست سختی خوردند از مجاهدین افغانستان و این شکست یکی از دلایل اصلی فروپاشی بود چون در واقع ایران ۱۹۵۵؟؟ این شکست یکی از دلایل اصلی فروپاشی بلوک شرق شد آن زمان یک اصطلاحی بود در محافل علمی همیشه می‌گفتند که روس‌ها در زمان صلح خیلی خوب کشور خودشان را اداره می‌کنند ولی در زمان جنگ به ویژه اگر شکست بخورند ممکن است باعث نابودی کشورشان بشود شکست در جنگ، بعد مثال می‌زدند می‌گفتند مثلاً در جنگ ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ که روسیه بر سر منافع استعماری با ژاپنی‌ها داشت روسیه شکست خورد، خیلی شکست سختی خورد، ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ روسیه تزاری بود بعد از این شکست یک انقلاب خیلی قوی در روسیه در سال ۱۹۰۵ اتفاق افتاد منتها حالا بعداً کنترل شد ولی به هر حال خیلی تأثیر گذار بود یک بار دیگر در سال ۱۹۱۷ روس‌ها در جنگ جهانی اول شکست خوردند، روسیه اول که رفت پیروز بود اوایل جنگ، بعد یواش یواش بالاخره اینقدر شرایط جنگی برای روس‌ها بد شده بود که اسلحه نداشت، سوخت نداشتند، مواد غذایی نداشتند و همه اینها جمع شده بود روسیه شکست خیلی سختی خورد در آن زمان در جنگ جهانی اول شکست خوردند. بعد از شکست در جنگ جهانی اول شکست خوردند. البته این نکته را هم بگویم که روس‌ها در جنگ جهانی اول اگر باقی می‌ماندند آخرش جزء قدرت‌های پیروز می‌شدند ولی اینها واسطه جنگ شکست خوردند، جنگ جهانی اول ۱۹۱۴ شروع شد و ۱۹۱۸ تمام شد = در سال ۱۹۱۷ در روسیه انقلاب شد یعنی شکست در جنگ جهانی اول برای روس‌ها به عنوان یکی از دلایل انقلاب عمل کرد و همین انقلاب کمونیستی که دو مرحله داشت مرحله اولش کمونیستی نبود ۲۳۵۵؟؟ تشکیل شد و نظام تزاری سرنگون شده بود ولی هشت ماه بعد لنین و یارانش توانستند بر کل روسیه پیروز بشوند و مرحله دوم انقلاب روسیه اتفاق افتاد، پس شکست در جنگ تأثیر داشت. بار سوم که شکست در جنگ روی روسیه خیلی تأثیر گذاشت شکست در جنگ افغانستان بود شاید ظاهرش خیلی کشور کوچکی بود، روسیه به این بزرگی، روسیه ۱۷ میلیون متر مربع وسعت دارد چطور از یک کشور کوچک شکست خورد و چطور انقدر روی کشور تأثیر گذاشت ولی واقعیت این است که تحولات آن زمان را که بررسی می‌کنیم می‌بینیم که گورباچوف که در سال ۱۹۸۵ به قدرت می‌رسد از اولین دغدغه‌هایش این است که باید از افغانستان خارج بشود روسیه شکست خورده دره پنج شیر هیچ وقت تسلیم روس‌ها نشد که یک جای

خاصی در آسیای مرکزی قرار داشت و برای روس‌ها خیلی سخت بود چنین شکستی نهایتاً هزینه‌های جنگ هم که اضافه شده بود مجموعه تحولات باعث شد که گورباچوف یک سیاستی به نام ۲۵۱۰۴۴ را آورد. ۲۵۱۰۴۴ یعنی بازسازی اقتصادی و ۴۴ یعنی فضای باز سیاسی بعد دیگر کنترل اوضاع از دست او خارج و نهایتاً روسیه اتحاد شوروی به نوزده دولت تقسیم شد که پنج تایش جمهوری‌های مسلمان نشین هستند که در شرق دریای خزر و شمال کشور ما قرار دارند خب این فروپاشی مستقیماً روی کشور ما هم تأثیر گذاشت چون ما با روسیه تزاری و بعد هم با اتحاد شوروی مرز مشترک داشتیم برای اولین بار بود که در دوره جدید دیگر مرزهای مشترک ما با روسیه وجود خارجی نداشت و کشورهای دیگری بین ما حائل شده بودند این تأثیراتی بود که از لحاظ ژئوپولیتیکی در منطقه صورت گرفت ولی این نکته را دارم توضیح می‌دهم که انقلاب اسلامی ایران روی بحث‌های فروپاشی اتحاد شوروی هم تأثیر آشکار داشت.

اینها همه بحث‌های مربوط به موج دوم بیداری اسلامی است، هنوز وارد موج سوم نشدیم در آن موج دوم فقط هم به جنبش‌های اسلامی خلاصه نمی‌شود همین طور که دارم توضیح می‌دهم انقلاب اسلامی روی سازمان‌های بین‌المللی تأثیر گذاشت، روی اوپک و کشورهای عدم تعهد. ما از کشورهای هستیم که با وقوع انقلاب اسلامی غیرمتحد شدیم، ما از سنتو خارج شدیم و بلافاصله از پیمان‌های دفاعی غرب بیرون آمدیم، سازمان‌های بین‌المللی مثل جنبش عدم تعهد بود که ما وارد آنجا شدیم و آنجا ایران خیلی ایفای نقش کرد حتی شما دیدید که جنبش عدم تعهد هم بارها در قضایای مختلفی به نفع کشور ما بیانیه صادر کرده و مخصوصاً در قضایای هسته‌ای اعضای جنبش بیانیه می‌دهند به طرفداری از ایران و کلاً روی اوپک ما تأثیر گذاشتیم روی قیمت جهانی نفت که هرچند که عربستان اجازه نمی‌دهد که قیمت خیلی افزایش پیدا نکند ولی نمی‌تواند به طور کامل هم مقاومت بکند، خب حالا در اوپک بحث میزان ذخایر خیلی مهم است و تأثیر دارد چون اگر شما تصمیمی بگیرید که او نخواهد اجرا بکند آن وقت تولید نفتش را افزایش می‌دهد وقتی صادرات نفت را افزایش داد و قیمت دوباره پایین می‌آید، این بحث‌ها خیلی پیچیده است ولی به هر حال حضور ایران در اوپک حتی در یک مرحله قیمت نفت را مثلاً از ۱۲ دلار به بالای ۲۲ دلار رساند یک زمانی که قیمت نفت خیلی پایین آمده بود و خب البته بعداً که یک مقطعی قیمت نفت تا ۱۴۰ دلار هم بالا رفته بود باز برگشت پایین دوباره قیمت نفت رو به افزایش است. در ماه‌های گذشته برای اولین بار ظرف پنج، شش سال گذشته قیمت نفت به نزدیک ۹۰ دلار رسیده که خودش خیلی تأثیر گذار است روی مسائل منطقه‌ای و حتی جهانی است.

تاثیر ایران روی بعضی از حرکت‌های حتی در جهان مسیحیت هم آشکار بوده ما یک اصطلاحی در آمریکای لاتین داریم می‌گویند الهیات رهایی بخش در آمریکای لاتین، چون می‌دانید که آمریکای لاتین مجموعه آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی است. آمریکای لاتین مردمش بیشتر مسیحی و درصد بالایی از آنها هم کاتولیک هستند در آمریکای شمالی بیشتر پروتستان هستند ولی در این قسمت کاتولیک هستند و منظور از الهیات رهایی بخش در آمریکای لاتین یعنی حرکتی که حتی قبل از انقلاب ایران شروع شده بود چون آمریکای لاتین سه کشور مهم به علاوه کشورهای کوچک‌تر هست و در این کشورها ارتش‌ها بیشتر به غربی‌ها وابسته بودند اینها حکومت می‌کردند، در این کشورها فقر شدید وجود داشته و هم سلطه نظامیان و هم فقر شدید و عقب ماندگی همه اینها اضافه می‌شود و نهایتاً بدهی‌های زیاد خارجی برخی از این کشورها حتی قادر نبودند که آن بهره‌پول‌هایی که باید پردازند را پردازند چه برسد به این که اصل پول را صفر کنند و در این شرایط خاص مردم از شدت فقر، وابستگی، فشار سیاسی به کلیسا پناه بردند و کلیساها آرام آرام نقش سیاسی به عهده گرفتند. این روند با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تشدید شد و امروزه شما آشکارا می‌بینید که در بیشتر این انتخابات‌ها آدم‌هایی که بیشتر مستقل هستند و از منافع غربی‌ها طرفداری نمی‌کنند یا کمتر وابسته هستند پیروز می‌شوند. الان تعداد کشورهای آمریکای لاتین که به این روند پیوستند خیلی زیاد شده مثلاً شما ۲۰ سال پیش فقط کوبا را داشتید الان مثلاً پرو، بولیو، ونزوئلا، اکوادور کشورهای زیاد است حتی کشورهای بزرگتر مثل برزیل، شیلی، آرژانتین اینها هم دیگر آن روند قبلی را ندارند.

دیدگاه نویسندگانی که بحث‌هایی مربوط با بیداری اسلامی مطلب می‌نویسند این است که انقلاب اسلامی ایران یکی از اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار بر این روند در آمریکای جنوبی و مرکزی و کلاً آمریکای لاتین بوده است. علاوه بر اینها می‌شود گفت بر اثر موج دوم بیداری اسلامی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع شد شما کارهای تحقیقاتی، نوشته‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارهای خیلی زیاد، تزه‌های دانشگاهی در رابطه با انقلاب اسلامی، در رابطه با حضرت امام، در رابطه با ایران، در رابطه با اسلام، در رابطه با اندیشه سیاسی اسلام به وفور در نقاط مختلف دنیا می‌بینید که اینها جرقه این حرکت و این گسترش خیره‌کننده با انقلاب اسلامی ایران کلیدش زده شد و انقلاب اسلامی ایران توانست جهان اسلام را چهره عمومی جهان و چهره ظاهری کشورهای اسلامی را تغییر بدهد.

موج سوم بیداری اسلامی که البته نمی‌شود فاصله بین ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ قائل شد چون به هر حال یک موج وجود داشته و به حرکت خودش تا حدودی ادامه داده موج دیگری یک مرتبه در این سیل ظاهر بشود و ایجاد حرکت بکند و تغییراتی ایجاد بکند ولی موج سوم را می‌شود گفت در سال ۱۳۹۰ خودمان و

سال ۲۰۱۱ میلادی شروع شد. موج این حرکت با حرکت‌هایی که در سه کشور شمال آفریقا رخ داد مشهور است دیگر انقلاب‌هایی که در مصر و تونس و لیبی اتفاق افتاد و در هر سه تای آنها دیکتاتورهای بن‌علی و قذافی و مبارک سرنگون شدند و خب تبعاً این حرکت بسیار حرکت گسترده‌ای بود هم تأثیرات بزرگی را به جا گذاشته و هم می‌تواند در آینده ادامه این حرکت تأثیرات بزرگتری را به جا بگذارد حتماً الان که شما در کشوری مثل مصر آقای سی سی را می‌بینید می‌توانید بگویید که سیسی دقیقاً مبارک نیست و شرایط برای آنجا... الان شاید برای شما سؤال باشد که خب چرا نظامیان در مصر توانستند تا حدودی فعلاً قدرت را کنترل کنند بیشتر به دلیل نفوذهای خارجی بود بحث بیداری اسلامی سرکوب نشده است ولی آنچه که اتفاق افتاده استفاده از تمام امکانات توسط طرف‌های غربی بوده که آنها از آدم‌هایی که داشتند، از پول، از قدرت پول از رسانه استفاده کنند و توانستند موقتاً یک تعادل جدیدی را در منطقه به وجود بیاورند ولی نه این که موفق شدند. این نکته مهمی است مثلاً همین مصری‌ها خب مصر یک کشور فوق‌العاده عقب مانده است از لحاظ اقتصادی یک کشوری است که منابع اقتصادی نفت کمی دارد، منابع کانال سوئز را بعد از ملی شدن کانال سوئز می‌گیرد ولی خیلی زیاد نیست و اینها نمی‌توانند؟؟؟؟ ۳۴۵۲؟؟ مجبور هستند به کشورهای مرتجع عربی پناه ببرند پول عربستان، چک‌هایی که ارتجاع عرب به اینها می‌دهد و به اینها می‌گوید که مثلاً شرطش این است که به ایرانی‌ها نزدیک نشوید. و خیلی مسائل دیگر و یا در تونس که اصلاً انقلاب ادامه دارد و می‌شود گفت که؟؟؟؟ ۳۵۱۵؟؟ در انتخابات اخیری که دو سه ماه پیش بود اینها توانستند بخش بیشتری از قدرت را در اختیار بگیرند. در لیبی البته وضعیت یک مقدار متفاوت است آن هم به دلیل این که روشی که در مورد لیبی به کار رفت یک روش خاصی بوده اینها نفوذهای خاصی توسط غربی‌ها را باعث شد که آنجا معجونی ایجاد شده در لیبی که معلوم نیست همه جور آدمی در بین اینها فعلاً وجود دارد و نهایتاً آینده لیبی و نه تنها لیبی بلکه آینده شمال آفریقا می‌تواند در آینده دستخوش تغییرات بزرگتری بشود.

چند نکته در مورد آسیب شناسی بیداری اسلامی هم بگوییم. منظور از آسیب شناسی این که حالا چه مسائل و مشکلاتی برای البته همه احزاب و جنبش‌های اسلامی مشابه نیستند مواردی که ما می‌گوییم ممکن است بخشی‌اش به طور کامل در مورد یک جنبش انقلابی صدق بکند در جای دیگر درصد کمتری این وضعیت داشته باشد. من تعدادی از موارد را گرد آوردم در مورد ایرادها و مشکلاتی که امروزه در بیداری اسلامی دارد که در آخر بحث اضافه خواهم کرد. من ابتدا اشاره می‌کنم به چند نکته از دیدگاه حضرت امام و رهبری معظم انقلاب اسلامی در مورد بیداری اسلامی که راهنمای ما هست در شناخت بیداری اسلامی. حضرت امام با احیاء معنویت و دیانت و تاکید بر پیوند دیانت با سیاست

امید تازه‌ای را در دل مسلمان‌ها پدید آوردند و نقش بزرگ را در بالندگی بیداری اسلامی ایفا کردند. امام در بیداری اسلامی روی وحدت امت اسلامی و اصول مشترک مسلمان‌ها تأکید کردند و تأکید کردند که تا کسب عظمت و اقتدار امت اسلامی باید مبارزه علیه استکبار ادامه پیدا بکند، به نظر حضرت امام شرط لازم برای مبارزه بیداری ملت‌هاست، بیداری ملت‌هاست، بیداری اسلامی در واقع و همین‌طور خودباوری آنها. حضرت امام روی بحث خودباوری، جامعیت دین مبین اسلام، استکبار ستیزی و مرکزیت مسئله فلسطین در این رابطه تأکید دارند و امام در سخنرانی‌های متعدد و به صورت مکرر مسلمان‌ها را از دچار تفرقه شدن برحذر می‌دارد. رهبر معظم انقلاب هم تفرقه افکنی میان مسلمان‌ها را از آفت‌های بزرگ بیداری اسلامی می‌داند و می‌فرماید که ضدحمله استکبار راه اندازی جریان تکفیر و تبدیل حرکت اصیل بیداری اسلامی به برادرکشی و فتنه داخلی بوده است. یعنی خیلی حساب شده بوده ایجاد گروه‌های تکفیری، داعش و غیره برای این بوده که اینها بتوانند حرکت بیداری اسلامی را کنترل و سرکوب بکنند. در همین رابطه می‌فرماید که هدف عصیتهای کور دینی و همین‌طور رواج تروریسم قساوت آمیز هم این است که دوباره ملت مسلمان به طرف انحطاط بروند و مسائل مهم آنها مثل نجات فلسطین و نجات ملت‌های مسلمان فراموش بشود. من به این بحث چند نکته را اضافه بکنم در این رابطه رهبری معظم انقلاب در آسیب شناسی بیداری اسلامی می‌فرماید که یکی این که غفلت از نقش قدرت‌های استکباری در فتنه انگیزی و دخالت‌های ویرانگر دوران عزت و امنیت و رفاه ناشی از بیداری اسلامی را به عقب خواهد انداخت. نکته دیگر این است که اگر نخبگان مذهبی، سیاسی و علمی در جهان اسلام وظایف خودشان را خوب انجام بدهند از جمله از تفرقه دوری کنند آینده دنیای اسلام آینده مطلوبی خواهد بود. همین‌طور می‌فرماید که بیداری اسلامی ممکن است که برای مدتی در بخشی از دنیای اسلام سرکوب بشود اما ریشه‌کن نمی‌شود بصیرت ریشه‌کن نمی‌شود و گسترش خواهد یافت، احساس هویت اسلامی را نمی‌توان از بین برد بیداری اسلامی واقعی است در زیر پوست ظاهری جوامع اسلامی. در رابطه با مصر هم نکات جالبی را می‌فرماید که در مصر خوب مدیریت نشد اگر شما مقایسه کنید بین آنچه در ایران اسلامی اتفاق افتاد با مصر می‌بینید که صحنه مصر امروز بسیار دردناک است به خاطر تعدادی از اشتباهاتی که دولت‌های جدید مصر انجام دادند و بعد اشاره می‌کند که استکبار در پی ایجاد مرجعیت‌های نامطمئن فکری برای مردم در کشورهای اسلامی هست و این نکته که باید چالش‌های جهان اسلام را خوب بشناسیم و آنها را ۱۳۶۹.۴ در رابطه با بحث آسیب شناسی نکات دیگری را هم ما می‌توانیم مورد تأکید قرار بدهیم و مجموعه نکات را می‌شود به این صورت بیان بکنیم که اگر بیداری اسلامی می‌خواهد که توانا باشد،

بالنده باشد، ایفای نقش بیشتری بکند باید به این موارد توجه بکند. اولین مورد این است که باید برخی از ضعف‌هایی که در رهبری و آرمان‌بیداری اسلامی وجود داشت و ما در این پنج، شش سال گذشته در کشورهای مختلف مشاهده کردیم بایستی فائق بیاید. آرمان و رهبری دو ویژگی مهم یک انقلاب کامل است هر قدر که این دو قاطع‌تر و صریح‌تر باشند نقش کامل‌تری را در پیش‌برد انقلاب ایفا می‌کنند چه در جذب خواص و توده‌ها و چه در هدایت آنها به سمت پیروزی و چه در تحولات بعد از پیروزی در راستای اهداف انقلاب. اگر انقلاب اسلامی توانست در مدت زمانی نسبتاً محدود تقریباً همه خواص و توده‌ها را با خودش همراه کند با تلفات انسانی نسبتاً کم سریعاً به پیروزی برسد و نهادهای لازم را ایجاد بکند و پس از پیروزی هم در مقابل نقشه‌های دشمنان بایستد بی شک به دلیل نقش آرمان و رهبری این انقلاب بوده. ما متأسفانه در انقلاب‌های شمال آفریقا که اخیراً اتفاق افتاد در آرمان و رهبری حرکت نقاط ضعف زیادی را دیدیم، ضعف رهبری در این انقلاب‌ها ناشی از برخی اعتمادها به رسانه‌های نوین بود مثل اینترنت و غیره. واضح است که مرکز این ابزارهای نوین در غرب قرار دارد و آنها می‌توانند از این طریق عناصر و رهبران انقلابی را بشناسند و قضایا را دستکاری کنند در راستای منافع خودشان. پس بنابراین اولین مورد در آسیب‌شناسی جنبش‌های اسلامی می‌توانیم بگوییم که بایستی برخی نقاط حالا برخی روشی است گاهی برخی ممکن است اعتقادی باشد واقعاً سخت می‌شود شما چطور می‌توانید مثلاً در یک کشوری مثل مصر فرض کنید رهبران انقلابی حالا بخواهند برخی نقاط ضعف را به این صورت جبران کنند کار سختی است ولی در آسیب‌شناسی به هر حال بایستی این مسئله مشخص بشود که مشکل از کجاست. دومین مطلبی که باید توجه بشود تدوین و اجرای قانون اساسی دین‌مدار است، بیداری اسلامی اگر می‌خواهد که به موفقیت برسد بایستی برای ایجاد یعنی در کشورهایی که قدرت را در اختیار می‌گیرد باید بتواند قانون اساسی جدیدی بر مبنای اعتقادات دینی تدوین بکند در یک انقلاب بهترین نتیجه زمانی به دست می‌آید که برای شکل دهی نظام انقلابی قانون اساسی جدیدی تدوین بشود و قانون اساسی پیشین محلی برای ایفای نقش نیروهای غیرانقلابی، ضد انقلابی و طرفداران رژیم پیشین هست منسوخ بشود. خب این قانون باید نقش بنیادی دین در سیاست ولی همین طور به مردم سالاری دینی تأکید بکند و یک قرارداد اجتماعی جدیدی را به این ترتیب برای آن کشور بنویسد قانون اساسی یک سند مبنایی است که دربرگیرنده اهداف، آرمان‌ها و روش‌های دستیابی به این اهداف هست و در واقع یک برنامه راه هست برای پیشبرد اهداف کشورها.

سومین موردی که در این بحث آسیب‌شناسی باید توجه کنیم تشکیل نهادهای انقلابی هست در زمینه‌های مختلف. نهادهای انقلابی سه تا نقش دارند، سه وظیفه دارند اداره امور در زمان وقوع انقلاب، جلوگیری از بازگشت وضع پیشین و دستیابی به اهداف انقلاب. خب در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران ما می‌بینیم که پس از پیروزی حضرت امام هوشیارانه مجموعه‌ای از نهادهای انقلابی در زمینه‌های مختلف را ایجاد می‌کنند، مثل شورای انقلاب، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، بسیج مستضعفان، دادگاه‌های انقلاب و غیره، خب نقش اساسی این نهادها در تحولات بعد از انقلاب اسلامی کاملاً آشکار بوده.

نکته چهارم که در بحث آسیب‌شناسی بیداری اسلامی باید به آن توجه بشود حفظ و تداوم اهداف انقلاب است و از جمله تحکیم استقلال کشور است منظور این است که نباید انقلابی‌ها بعد از اینکه پیروزی را به دست بیاورند و اگر می‌خواهند که به موفقیت کامل برسند نباید استقلالی را که به دست آوردند فراموش بکنند در بعضی از انقلاب‌های معاصر ۱۹۶۳-۱۹۶۴ انقلاب الجزایر که سال ۱۹۶۱ اتفاق افتاد اصلی‌ترین خواسته‌شان کسب استقلال بود از فرانسه خب به استقلال رسیدند ولی بعداً آرام آرام این مسئله فراموش شد و حتی متأسفانه گاهی دیده می‌شود همین امروزه که بعضی از وزرای دولت الجزایر زبان عربی را خوب نمی‌توانند صحبت کنند، همان سلطه زبان فرانسوی و تغییر فرهنگی که فرانسوی‌ها در زمان سلطه ۱۳۰ ساله به الجزایر داشتند به یک نحو دیگری دوباره ادامه یافت، استقلال وقتی فراموش می‌شود بقیه اهداف هم ممکن است که به همین مسئله دچار می‌شود.

مورد پنجم توجه به مسئله فلسطین به عنوان مسئله مرکزی جهان اسلام است و این یک مسئله مشترک بین همه مسلمانان هست و این مسئله می‌تواند به اتحاد آنها منجر بشود و در واقع فلسطینی‌ها را از آوارگی بیرون بیاورد و در واقع همین که امروزه شما در نوار غزه مسائل غربی را در اردن می‌بینید که فلسطینی‌ها خب ان قسمت‌ها اشغال شد در جنگ ۱۹۶۷ ولی در اثر تحولات بیداری اسلامی و تأثیر انقلاب اسلامی نهایتاً ۱۹۸۰-۱۹۸۱ قسمتی را به یک نحوی در اختیارشان هست حالا نه استقلال کامل نیست یک دولت به رسمیت شناخته نشدند توسط سازمان مدد و عضو ناظر هستند ولی همین که توانستند به این حد هم برسند به خاطر همین بحث‌های بیداری اسلامی در این منطقه است.

مورد ششم همکاری و اتحاد راهبردی با کشورها و نیروهای انقلابی است. جنبش‌های اسلامی اگر می‌خواهند که موفق باشند بایستی با دولت‌های انقلابی با حرکت‌های انقلابی اتحاد راهبردی داشته باشند. یکی از دلایلی که مصری‌ها به این سرنوشت دچار شدند این هست که بعد از پیروزی انقلاب مصر مرحله‌ای که اینها توانستند پیروز بشوند آقای مرسی در اثر اشتباهاتی که صورت دادند و

رفتارهای خاصی که شما همه بخاطر دارید خصوصاً آمد به تهران و فقط هفت ساعت در تهران بود و خیلی سریع برگشت و بعد مسائلی که اتفاق افتاد آن بحث اتحاد راهبردی با کشورهای انقلابی اصلاً در ذهن اینها نمی‌گنجید حالا به دلایل مختلفی که بود.

مورد هفتم جنبش‌های اسلامی برای موفقیت بایستی در قانون اساسی کشور خودشان بتوانند راهکارهایی پیدا بکنند برای حل و فصل اختلافات این هم مسئله کلیدی است چون ممکن است اختلافات آن کشور را از پا در بیاورد چیزی که در مصر اتفاق افتاد و بعد کودتای آن آمدند و قدرت را در اختیار گرفتند. خوب اگر راهکارهای قانونی در داخل قانون اساسی مصر وجود می‌داشت و می‌آمدند از طریق راهکارهای قانونی اختلافات را مدیریت می‌کردند و جمع می‌کردند هرگز شاید به این مسائل که دچار شدند دچار نمی‌شدند.

مورد هشتم توجه به پیشرفت‌های علمی و فناوری هست یعنی کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی که موفق می‌شوند در این رابطه به پیش بروند جنبش‌های اسلامی بایستی بتوانند در دستیابی به علم و در درجه بعد به فناوری بتوانند خودشان را توانا کنند، توانمند بشوند. دنیای معاصر دنیای دانش و فناوری هم هست و این مسئله می‌تواند در بحث‌های مربوط مقبولیت در داخل این کشورها موثر واقع بشود و غرور ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و نکته این هست که به هر حال توجه به پیشرفت علمی و فناوری جایگاه خاصی را در بحث‌های دنیای معاصر دارد. و آخرین مورد این است که جنبش‌های اسلامی برای موفقیت نباید فریب وعده‌های ارتجاع عرب و همین طور برخی نیروهای سکولار داخل کشورهایشان را بخورند. الان مطلبی که در منطقه ما هست و خیلی مهم است این است که عربستان از طریق پول روی جنبش‌های مختلف اسلامی تاثیراتی را می‌گذارد البته خود آن جنبش‌ها متفاوت هستند همه به طرف عربستان نرفتند و همه آنها هم تحت تاثیر قرار نمی‌گیرند و نسبت به آنها بی توجه هستند ولی به همان میزانی که تحت تاثیر پول نفت این کشورها قرار می‌گیرند تاثیرات منفی خودش را می‌گذارد.

این یک بحث بسیار خلاصه‌ای بود در رابطه با بیداری اسلامی، راه‌های تداومش بود.